

قاف سیمرغ

روز اول با جشنواره: «میهمان داریم»

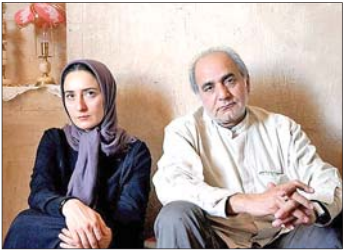
فیلمی که فریاد نمی‌زند



سهام‌الدین بورقانی

- «میهمان داریم» پنجمین فیلم محمدمهدی عسگرپور

بعد از پنج‌سال دوری از سینما هم دغدغه‌ها و نگاهش به مسایل جانبازان را مطرح کرده است و هم تلاش کرده تا سایر عناصر فیلم را بسرای جانب‌تر کردن فیلم از یاد نبرد. به‌همین دلیل «میهمان داریم» فیلمی برای نمایش هم‌زمان آرمان‌ها و واقعیت‌هاست. از سویی می‌کوشد واقعیت‌هایی را مطرح کند و تلخی‌ها را به مخاطب نشان دهد و از سوی دیگر بدون قضاوت‌کردن حرف از آرمان‌هایی می‌زند که این واقعیات را رقم زده است. رضا، جانبازی است که سال‌ها پس از جنگ دیگر تاب تحمل زندگی را ندارد و مدام از مرگ می‌گوید. تمایلی به مصرف داروهایش در آسایشگاه ندارد و در ضمن نمی‌خواهد به خانه بازگردد. فریاد پلندی که در سکانس آسایشگاه برمی‌آورد اولین تلنگری است که کارگردان به مخاطب می‌زند تا بدانیم قرار نیست همه کسانی که روزی به جنگ رفته‌اند قیراق و سرحال باشند و مدام از خاطرات خوب و شیرین دوران جنگ بگویند. رضا نماد کسانی است که روزی برای «آرامشان» مقابل دشمن ایستاداند و از «خود» گذشته‌اند همه آدم‌ها مثل هم نیستند، میزان صبرشان یکسان نیست و در مقابل حوادث موضع مشابهی ندارند.



پسر و مادر پیر او در خانه‌ای قدیمی زندگی می‌کنند که در کنار آن ساختمان‌های دیگری برپا می‌شوند و این سازندگی به تدریج ترک‌هایی بر در و دیوار خانه آنها وارد می‌کند. گویی پدر و مادری که حالا در انتظار میهمانی عزیز هستند و هزینه‌های سنگینی مثل شهادت دو پسر و یک دخترشان و جانبازی فرزند دیگرشان داده‌اند، حالا از در و دیوار هم برایشان میسر می‌یارد. دیوارها ترک برمی‌دارند، تکه‌ای از سقف فرومی‌ریزد؛ اما آنها یاد گرفته‌اند صبور باشند، بدون اینکه بخواهند بابت این صبر از کسی طلبی داشته باشند یا به این دلیل خودکشی کنند.

در فصلی از فیلم پدر رضا در مقابل بدخلقی‌های او و سخن گفتنش از مرگ چاقو به دستش می‌دهد و می‌گوید مگر آن روز که سر از نامی‌شناختی که به جنگ بروی کسی به زور فرستاده بودت که فکر اینجایش را نکرده بودی؟

حاج ابراهیم و فخرالسادات پدر و مادر رضا در انتظاری شیرین به سر می‌برند. انتظاری که دوباره شادی را به خانه برگرداند و رضا را سرپا کند. آنها با صبری زیاد شرایط را فراهم می‌کنند تا آن روز موعود فرا برسد و رضا را به ازدواج با دختری که به او علاقه دارد ترغیب کنند. عسکرپور با میهمان داریم صرفاً به‌دنبال نمایش این واقعیت‌های محض نیست در فصلی از فیلم که گاز در خانه پخش می‌شود و دو برادر و خواهر رضا به خانه بازمی‌گردند، زمزمه‌ها در سالن سینما شنیده می‌شد و همه در حال صحبت‌کردن در مورد حدس و گمان‌هایشان بودند؛ و همین عدم قطعیتی که از اینجای فیلم به‌وجود می‌آید، باعث جذاب‌ترشدن آن و پیگیری‌کردنش با کنجکاوئی بیشتر است. ضمن اینکه لحظات شیرین و فراموش‌نشدنی به وقوع می‌پیوندند. میهمان داریم از آن دست فیلم‌نامه‌هایی دارد که احتمالاً اگر قبل از دیدن فیلم آن را بخوانیم، احساس می‌کنیم جذابیت زیادی ندارد؛ اما کارگردانی خوب عسکرپور، یقین‌بخش‌های درست، طراحی صحنه و نور و فضاسازی‌های خوب سبب شده تا با وجود اینکه ماجرای فیلم در لوکیشن‌های محدود و عمدتاً در فضای بسته می‌گذرد، مخاطب احساس خستگی نکند و تا انتها با فیلم همراه باشد. و البته در این میان نباید از بازی‌های خوب پرویز پرستویی، آهو خرمند و بهروز شعبانی غافل شد که نقش موثری در فیلم دارند.

پیشنهاد روز

عکس‌های حجت سپهوند در «خانه خورشید»

- شرق:** دهمین نمایشگاه انفرادی حجت‌الله سپهوند با عکس‌هایی از مناظر و بناهای معروف تهران در خانه خورشید بر گزار می‌شود و عواید حاصل از فروش آن برای کمک به زنان معता اختصای پیدا می‌کند.حجت سپهوند

در مورد برگزاری این نمایشگاه به «شرق» گفته: «همچون نمایشگاه قبلی‌ام که درباره آشنی با زنان معتاد بود، مخاطبان اصلی این نمایشگاه نیز زنان معتاد هستند. با این کار می‌خواستم دنیایی را که این زنان با آن فاصله گرفته‌اند را عکس پیوند بزنم و این زنان احساس خوبی داشته باشند. بازدید از گالری‌ها برای این زنان سخت است و دوست داشتم با نمایش گذاشتن این عکس‌ها احساس کنند برای خودشان نمایشگاه دارند. خانه خورشید اولین و بزرگ‌ترین مرکز گذری کاهش آسیب اعتیاد زنان DIC روزنه پذیرای بیش از صد زن معتاد است.نمایشگاه آثار سپهوند تا خرداد ۹۳ در خانه خورشید در حال برگزاری است.

عسل عباسیان: صبح دومین روز از جشنواره سی‌ودوم فیلم فجر، با اینکه بارش برف در نقاتلی از پایتخت، ترافیک شدیدی در اتوبان‌های منتهی به برج میلاد ایجاد کرده بود. و این موضوع سبب شد نمایش فیلم «قصه‌ها» در کاخ جشنواره نیم‌ساعت به تأخیر بیفتد، اما آنچه دل‌ها را گرم کرد و جمعیت کثیری را به مرکز همایش‌های برج کشاند، تماشای دسترنج «رخشان بنی‌اعتماد» پس از هفت‌سال بسر پرده تفسره‌ای بود؛ فیلمی که به گفته کارگردانش با حال‌وهوای سال ۹۰، ساخت آن میسر نمی‌شد مگر با همکاری و عشق عوامل فیلم که پای آن ایستادند. حالا هم عوامل فیلم دارند پاسخ این عشق و همکاری را از مردم می‌گیرند؛ چراکه «قصه‌ها»، برخلاف عقیده برخی رسانه‌ها که مغرضانه از شعارزدگی و جوان‌پسندنبودن این فیلم می‌گویند، هم‌اکنون در صدر آرای نظرسنجی مردم است.

پس از تماشای فیلم در سالن همایش‌ها، نشست خبری با حضور عوامل در تالار سعدی برج میلاد برگزار شد. در آغاز نشست آنچه از چشم تکتاک عوامل خوانده می‌شد، درخشش شادی از تماشای این فیلم بر پرده سینما بود. «حبیب رضایی» که علاوه بر بازیگری در این فیلم، مشاور کارگردان هم بوده، این حال‌وهوا را چنین توصیف کرد: «اگر فکر کنیم فیلم‌ها پیچه‌های ما هستند ما در این دوساله «قصه‌ها» را در صفحه سنوگرافی می‌دیدیم و بچمان تازه بدینا آمده، نقطه مشترک حرف‌های همه عوامل از جمله گلاب آدینه، مهدی هاشمی، پیمان معادی، فرهاد اصلاتی، باران کوثری، مهروا شریفی‌نیا، حسن معجونی، کوهیار کلاری و سیامک کلاتری هم «خوشحالی» بود. همه پشت تربیون از خوشحالی می‌گفتند. خوشحالی بابت حضور دوباره «رخشان بنی‌اعتماد» در سینما و البته تجسم «قصه‌ها» بر پرده سینما که تا همین چندماه قبل محال به نظر می‌رسید؛ محال به نظر می‌رسید چون «بنی‌اعتماد» برای دریافت پروانه ساخت با دشواری‌های فراوانی روبه‌رو بوده، اما او در نشست درباره دشواری‌ها با طمأنینه توضیح داد: «من به شرایط آن دوران اعتراض داشتم و با فیلم‌ساختن خود اعتراضم را بیان کردم به همین دلیل این فیلم را با مجوز پروانه ساخت فیلم کوتاه ساختم بعد

عسل عباسیان: صبح دومین روز از جشنواره سی‌ودوم فیلم فجر، با اینکه بارش برف در نقاتلی از پایتخت، ترافیک شدیدی در اتوبان‌های منتهی به برج میلاد ایجاد کرده بود. و این موضوع سبب شد نمایش فیلم «قصه‌ها» در کاخ جشنواره نیم‌ساعت به تأخیر بیفتد، اما آنچه دل‌ها را گرم کرد و جمعیت کثیری را به مرکز همایش‌های برج کشاند، تماشای دسترنج «رخشان بنی‌اعتماد» پس از هفت‌سال بسر پرده تفسره‌ای بود؛ فیلمی که به گفته کارگردانش با حال‌وهوای سال ۹۰، ساخت آن میسر نمی‌شد مگر با همکاری و عشق عوامل فیلم که پای آن ایستادند. حالا هم عوامل فیلم دارند پاسخ این عشق و همکاری را از مردم می‌گیرند؛ چراکه «قصه‌ها»، برخلاف عقیده برخی رسانه‌ها که مغرضانه از شعارزدگی و جوان‌پسندنبودن این فیلم می‌گویند، هم‌اکنون در صدر آرای نظرسنجی مردم است.

این هفت قسمت را که به‌صورت هفت فیلم کوتاه بود در کنار یکدیگر قرار دادم و یک فیلم بلند به وجود آمد و کاری را کردم که در هیچ‌جا خلاف قانون نیست. در این مدت حتی در یک جشنواره خارجی شرکت نکردم چون برای من دیده‌شدن فیلم توسط مخاطب ایرانی مهم بود. از طرف دیگر این فیلم برای من بسیار مهم بود چون از سوی وزارت ارشاد، بسپاری از بازیگران تهدید به ممنوع‌الکاری شده بودند.»امیر اثباتی، طراح صحنه و لباس «قصه‌ها» هم دل پری از هفت‌سال گذشته داشت: «برخی مدیران در هنگام دیدن این فیلم‌ها بر ساخت آنها تأکید می‌کنند اما هنگام عمل به گونه دیگری رفتار می‌کنند.»باران کوثری، هم با همه لیخنده‌هایش در طول این نشست، با صدای لرزان گفت: «اینکه دوباره جلو دوربین «بنی‌اعتماد» بروم کم‌کم داشت برایم تبدیل به آرزو می‌شد.»بنی‌اعتماد؛ اما در پاسخ به سوال یک رسانه که پرسیده بود: «آیا قرار است از این بهبعد سیاسی فیلم بسازید؟» قاطعانه پاسخ داد: «قرار است همان‌گونه که تا امروز فیلم ساختم، فیلم بسازم. سیاست بخشی از مسایل اجتماعی است که اگر لازم باشد در

شامگاه گذشته در کرمانشاه اعطا شد

اهدای «تندیسی مهر» به «شوالیه» آواز ایران

شرق: تندیس مهر به‌عنوان نشان در زمینه فعالیت‌های بشردوستانه در دومین سال برگزاری خود به شهرام ناظری، شوالیه آواز ایران رسید. این تندیس به پاس خدمات انساندوستانه و حقوق بشری این موسیقیدان پیشکسوت که در یکسال اخیر انجام داده است به او تعلق می‌گیرد. اولین دوره برگزاری اهدای این تندیس به پرویز پرستویی، بازیگر شناخته‌شده ایرانی رسید. ناظری نیز ۱۲ بهمن سال‌جاری برای دریافت این تندیس و انجام برخی طرح‌های دیگر به کرمانشاه سفر کرد. او درباره سفر خود به این شهر به «شرق» گفت: «۱۳ بهمن به خانه خودم، خاک خودم و دیار عزیزم کرمانشه می‌روم. انگیزه اصلی این سفر دیدار یاران در دیار مادری است و در این فرصت اجرای کنسرت نخواهم داشت. من به سه بهانه به کرمانشه می‌روم.»او درباره فعالیت‌هایی که قصد دارد در این سفر انجام دهد، عنوان کرد: «عدای از نخبان شهر از سر مهر و به پاس کوشش‌های من و دوستو دوستان من و تهنتم‌وش بیرق عزت ایران

فراهم کرده‌اند که وظیفه دارستم در محفل این عزیزان (همایش‌شان) حضور یابم و تندیس مهرشان را ارج گذارم همچنین برای حضور در مراسم بزرگداشت ادیب هنرمند دیرام زیدیه‌نadan دکتر علی‌اکبر نقی‌پور و استاد سپیدجلیل قریشی‌زاده متخلص به وفا که به همت یاران فرهیخته هفتخانه تقدحال برگزار می‌شود. هر دو عزیز که از دوستان دیرین من در دیار شیرین کرمانشه بوده‌اند بر من و بر همه کرمانشاهیان حق و حقوق دارند که شایسته دیدم در پاسداشت این دو عزیز شرکت کنم.»شوالیه آواز ایران افزود: «دکتر علی‌اکبر نقی‌پور پزشکی آزاده، مورخ و ایران‌پژوهی صاحب سبک و شاعر و نویسنده خلاق بود. جنب استاد وفا که شهره خوانند چو شمع و در غزل معاصر ایران آفرینگری صاحب‌نظر بود. هر دو بزرگوار، عاشق ایران‌زمین بودند که شور‌یخته چله‌گیرمرگی زمستانی شدند و حضور در سوگشان بر من مایسته است.»ناظری سپس به انگیزه سوم حضور خود در کرمانشاه اشاره کرد: «سبب و انگیزه مهم و مجوری دیگر برای این سفر، تکمیل کار نیمه‌تمامی است که سال‌ها پیش با جناب آقای چاووشی هنرمند و دوست همشهری‌ام از خصوص تأسیس بنایی بر مزار غریب

شرق: جعفر پناهی که یکی از فیلمسازان شناخته‌شده در عرصه جهانی است؛ بعد از سخنان رییس‌جمهور در جمع هنرمندان، دست‌به‌قلم برده است و متنی را در اختیار «خبرآنلاین» گذاشته است. او در ابتدای این متن آورده است: «وقتی گزیده پیام ریاست‌جمهور اسلامی به مناسبت آغاز جشنواره فیلم فجر را خواندم، با امیدواری راغب شدم که متن کامل را هم بخوانم، چراکه در این خلاصه آمده بود: «بازگرداندن تماشگر فقیر کرده از سینما، ضروری‌ترین مسوولیت امروز مدیران و سینماگران ماست. سینما بدون تماشگر معنا ندارد و جشن و جشنواره آن روز معنا می‌یابد که بدانیم مردم از سینمای بومی خود رضایند و به آن دل بسته‌اند.» فکر کردم، با پایتتر است بگویم امیدوار شدم؛ بالاخره

«قصه‌ها» در صدر آرای مردمی جشنواره سی‌ودوم فجر

هیچ فیلمی برای همیشه در گُمد نمی‌ماند



تعدادی از عوامل

«قصه‌ها» روی فرش قرمز شرق

فیلم‌هایم به آن اشاره می‌کنم اما در حال حاضر تصمیمی برای ساخت فیلم سیاسی ندارم ولی اگر زمانی لازم بینم این کار را می‌کنم.»این کارگردان، در تجربه‌های پیشینش ثابت کرده که بر مشکلات طبقه فرودست و محروم جامعه اشراف دارد. برای همین گفت: «من با آسیب‌های اجتماعی از چند سال قبل بسیار آشنا هستم و به آنها نزدیکم. امروز این آسیب‌ها بیشتر شده و فشار وارده بر طبقه محروم نیز بیشتر شده است، واقعیت جامعه ما این است.»«قصه‌ها»، سرنوشت امروز شخصیت‌های دیروز فیلم‌های «بنی‌اعتماد» را در قالب روایتی حیرتانگیز بازگو می‌کند. «گلاب آدینه» هم از «طوبا خانم»‌ای گفت که دیگر کم‌کم دارد تبدیل به سربال می‌شود چون از «بانوی اردیبهشت» اعلام حضور کرده و بعد می‌رود «زیر پوست شهر» و به گفته ایفراش احتمالاً در فیلم‌های بعدی خانم «بنی‌اعتماد» هم حضور دارد چون «طوبا» و «طوبیلا» هستند، از پای نمی‌نشینند و اگر از در بیرونشان کنند از پنجره تو می‌آیند و آنقدر در مواجهه با زندگی قرام می‌گیرند تا حق خودشان را بگیرند. «مهدی هاشمی» هم از صدایی گفت که انگار در «قصه‌ها»

برده جشنواره تئاتر فرو افتاد

جشنواره‌ای پر از امید و تردید

شکیبایی، رضا صابری، قطب‌الدین صادقی، حمید امجد، محمد یعقوبی و... گرامی داشت. اما بخش مهم این مراسم اهدای جوایز در چند بخش مختلف از بخش عکس و پوستر، مرور تئاتر ایران در سال ۹۲، مسابقه تئاتر ایران در سال ۹۳، رادیو تئاتر، نگاه نو و البته بخش بین‌الملل بود که مهم‌ترین و داغ‌ترین رقابت نیز در این بخش در بین نمایشنامه‌نویسان و بازیگران بود. در بخش نمایشنامه‌نویسان بین‌الملل رقابت میان «حسین کیانی» برای «در شوره‌زار»، «حمیدرضا نعیمی» برای «سقراط»، «محمد چرمشیر» برای «ابغیان مرگ»، «عباس جمالی، امین طباطبایی، مجید غلامعلی‌نژاد،» برای «IP۲، از ایران و ارمنستان و شهرام احمدزاده» برای «هملت» بود که در نهایت حسین کیانی و در شورزار این جایزه را دریافت کردند. در بخش بازیگری «مرد فرهاد آبیَش» برای «سقراط»، «پیام دهکردی» و «علی سربای» برای بازی «مرد بالشی»، «آتیلا پسیانی» برای «ابغیان مرگ» و «خسرو شهرار» برای «سقراط» بهترین بازیگری را دریافت جایزه بودند که در نهایت پیام دهکردی بود که با بازی دررخشان خود در مرد بالشی توانست روی سن بیاید. او روی سن با تشکر از علی‌مرداخی معاون وزیر برای همراهی اش در جشنواره تئاتر امید که توسط بخش خصوصی برگزار می‌شود از همه خواست که او را همراهی کنند. اما در بخش بین‌الملل گروه کوانتوم و آرش داگرا از سایر گروه‌ها به‌ویژه گروه نمایشی سقراط و حمیدرضا نعیمی خوش‌شانس‌تر بودند که از میان هشت‌جایزه این بخش سه‌جایزه کارگردانی، جایزه بزرگ و طراحی صحنه را به خود اختصاص داد. سروش طاهری بازیگری که جایزه بهترین بازیگر مرد را در دویخش دریافت کرده بود، فرستاد روی صحنه گفت فکر می‌کردم فقط ما می‌دانیم اوضاع مملکت را اما دیدم آقای وزیر هم این موضوع را می‌داند. من لگت دومیلیون۵۴۵هزار تومان شهریه داشتم‌گاه سراسری‌ام بودم. حالا امشب توانستم بخشی از آن را با این جایزه بگیرم.» پرده پایانی سی‌دومین جشنواره تئاتر فجر که یکی از ضعیف‌ترین و برجاشه‌ترین جشنواره‌ها بوده، با همه تئاترِی‌ها در حالی فرو افتاد که تئاترِی‌ها همان‌گونه که پیام دهکردی گفت؛ باز امیدوارند: «جوایز گوارست و آنچه می‌ماند تئاتر است.»

به شادی و امیدی که این روزها در جامعه پخش است شاد بودند. به شنیدن صدای محمدرضا شجریان وقتی با ایران ای سرای امید در تالار وحدت پخش شد. به حضور وزیر دولت یازدهم و هشتم در کنار یکدیگر، به بودن مدیران ۳۱جشنواره در کنار یکدیگر، به شنیدن نام بزرگان تئاتر روی صحنه و به همین جایزه‌های حداقلی و حضور در مهم‌ترین رویدادهای تئاتری کشور، به درد دل امیرحسین مدرس روی صحنه وقتی از ربه تئاتر گفت که از ربه تهران بیمارتر است. بخشی از حرف‌های وزیر مثل سایر سخنرانی‌هایش به محدودنکردن هنرمندان اختصاص داشت و از هنر غیرسفرارشنی گفت. در خیانت تئاترِی‌ها بخشی هم به تجلیل از بزرگان تئاتر اختصاص یافت که امسال قرعه به نام فردوس کلوانی، ناهید مسلمی، اوتوشیروان ارچوند و نصرت‌الله مسعودی افتاده بود که روی صحنه آمدند و از آنها تقدیر شد. البته این تقدیر نقدی شب پایانی جشنواره تئاتر فجر نبود. بخشی دیگر از این تقدیرها در نمایشنامه کوه محمد رحمانیان بود، با همه تئاترِی‌ها در حالی فرو افتاد که تئاترِی‌ها همان‌گونه که پیام دهکردی گفت؛ باز امیدوارند: «جوایز گوارست و آنچه می‌ماند تئاتر است.»

انتخاب کند چه بسازد یا چه نسازد.» پناهی در بخش دیگری از نامه خود با اشاره به فیلم‌های توقیف‌شده نوشته است: «نمی‌دانم آقای روحانی اطلاع دارند یا نه، در همین جشنواره که به آن پیام داده‌اند، فیلمی وجود دارد که دبیر جشنواره، اجازه نداده هیات انتخاب آن را ببینند. فیلم «اشغال‌های دوست‌داشتنی» فیلمی است کاملاً ایرانی و بومی که مسلماً بیشتر از هر جای دیگر دنیا فقط در کشور خومان قابل‌درک است، چرا که اشارات تاریخی و نمادهای فیلم امیربوسنی را فقط تماشاگر ایرانی می‌فهمد، اما وزیر ایشان جلو نمایش آن را گرفته است. با این یک نمونه از نمونه‌های بی‌شمار، بارسای آقای روحانی، توقع چه فلوق‌ورقاری از سوی سینماگران را دارند؟!»

چهره روز

در صورت عدم تأمین ۳۵میلیون تومان

رحمانیان «آرش ساد»

را کنار خیابان به صحنه می‌برد



● **شرق:** محمد رحمانیان می‌گوید اگر تا چندروز آینده نتواند ۳۵میلیون تومان به تالار وحدت بابت شش اجرای «آرش- ساد» بدهد این نمایش را ناگزیر در مقابل تالار وحدت کارگردانی خواهد کرد. رحمانیان که هم‌زمان در نشست خبری دو نمایش «آرش ساد» و «در روزهای آخر اسفند» شرکت کرده بود؛ درباره این دو اثر با حضور بازیگران و عواملش به‌صورت جداگانه توضیح داد. نمایش آرش ساد نمایشی است که رحمانیان بهسار سال جاری در نکور و به‌همراه هنرجویان کلاس بازیگری مهتاب نصیرپور به روی صحنه برده بود و به دعوت مرکز هنرهای نمایشی در سی‌دومین جشنواره تئاتر فجر هم به صحنه رفت و قرار است شش اجرا در تالار وحدت داشته باشد. اما رحمانیان می‌گوید که هنوز ۱۷میلیون تومان برای به‌صحنه‌رفتن این نمایش کم دارند: «اگر نمایش «آرش ساد» اجرا نشود این خوشحالی را دارم که به‌سافت میزبانی نیست و به‌دلیل مساله مالی است. به‌همین دلیل از همین الان از اپوزیسیون معذرت می‌خواهم.»

رحمانیان درباره لایاودن قیمت بلیت این کار و هزینه‌ها گفت: «از آنجا که هزینه بلیت رفت و برگشت بازیگران نمایش که همگی ساکن کانادا هستند بسیار بالا می‌شود، ناچار شدیم هزینه بلیت نمایش را بالا ببریم و این مبلغ اصلاً باعث خوشحالی من نیست، اما قرار بود حمایتی مالی انجام شود که چون انجام نشده دچار مشکل هستیم زیرا باید ۳۵میلیون تومان به بنیاد رودکی بپردازیم. اما ۱۷ میلیون تومان کم داریم.»

او درباره کم‌بودن تعداد اجراهایش گفت: «به‌دلیل مشغله اعضای گروه و از آنجا که نمی‌توانستیم یک سالن را به مدت طولانی در اختیار داشته باشیم، فقط سه‌شب اجرا در تالار وحدت گرفتیم. با کمک یک دوست توانستیم بلیت سفر بازیگران را تهیه کنیم. در حال حاضر از ستاد جشنواره فقط ۱۰ (میلیون تومان گرفته‌ایم، اما مشکل اصلی ما قراردادی است که با تالار وحدت داریم که بر مبنای آن باید ۳۵میلیون تومان به تالار وحدت و عوارض شهرداری بپردازیم که ۱۷میلیون تومان کم داریم، این در حالی است که هیچ‌یک از عوامل گروه دستمزدی نمی‌گیرند. اما تالار وحدت گفته تا وقتی این پول را نگیرد، نمی‌گذارم ما اجرا برویم به همین دلیل در نامه‌ای که با جزییات کامل به معاون هنری نوشته‌ام از ایشان کمک خواسته‌ام و آقای مرادخانی هم در نامه‌ای به آقای طاهری (مدیر مرکز هنرهای نمایشی) خواستار حل این مشکل شده‌اند، اما این مشکل همچنان سر راه ماست.» اما نمایش در روزهای آخر اسفند که نمایشی متفاوت است و به‌گفته بهروز صفاریان کنسرت‌اتر ادای دینی به هنرمندان موسیقی پاپ و بزرگداشتی برای فرهاد مهراد و البته به یاد اتفاق تلخی است که برای گروه سگ‌های زرد در آمریکا رخ داد.

اشکان خطیبی و غزل شاکری به همراه یک گروه موسیقی به سرپرستی بهروز صفاریان، رحمانیان را در این اجرا که ۱۱ ترانه خارجی و ایران خاطرانه‌گیز را بازسازی می‌کند، همراهی می‌کنند. رحمانیان درباره این اجرا توضیح داد: «در این اجرا قرار است که از تلفیق کنسرت و نمایش به نفع موسیقی استفاده کنیم.»

قیمت بلیت این نمایش از ۲۷ هزار تا ۹۷ هزار تومان ارزش گذاری شده است. قیمتی که رحمانیان می‌گوید از آن راضی نیست اما به دلیل آنکه این اجرا هم‌زمان هم تئاتر هم موسیقی است، قیمت میانگین بلیت این دو هنر است. «آرش ساد» از روز ۲۱ تا ۲۳ اسفند در تالار وحدت به صحنه می‌رود و اسفندماه در همین سالن نوبت اجرا دارد.

سرخط

● **ایستا:** حسین علیزاده با همراهی گروه «هم‌آوایان» در روزهای ۱۶ و ۱۷ اسفند در سالن همایش‌های برج میلاد به روی صحنه می‌رود و محمد تمغمدی در این کنسرت آواز می‌خواند.

● **شرق:** افتتاحیه ششمین جشنواره بین‌المللی هنرهای تجسمی فجر ۱۴ بهمن در موسسه صبا برگزار می‌شود.

● **مهروار:** ابوتراب خسروی «آواز بر جبرئیل» سهروردی را بازنویسی کرد.

● **شرق:** بلیت‌های ۱۴گروه موسیقی شرکت‌کننده در بخش‌های مختلف جشنواره بیست‌ونهم موسیقی فجر با گذشت چهارروز از زمان فروش، به اتمام رسید.

● **شرق:** هم‌اندیشی وزیر ارشاد با بانک‌های خصوصی برای رونق اقتصاد هنر بر گزار شد.